



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام موسیٰ کاظم علیہ السلام

اسوہ صلابت و ظلم ستیزی

عبدالکریم پاک نیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام کاظم علیہ السلام اسوہ صلابت و ظلم ستیزی

نویسنده:

عبدالکریم پاک نیا

ناشر چاپی:

نشریه مبلغان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام کاظم علیه‌السلام اسوه صلابت و ظلم ستیزی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۷	تلفیق عرفان و مبارزه
۷	برخورد با صلابت
۷	اشاره
۷	سخن امام به مهدی عباسی
۷	پیشوای دلها
۸	هشدار به متکبران
۸	سلام بر تو ای پدر
۸	نامه‌ای از زندان
۹	ظلم ستیزی در رفتار
۹	اشاره
۹	رخنه در درون نظام
۹	حمایت از مبارزان راه حق
۹	جلوگیری از همکاری با طاغوت
۱۰	رسوا سازی یاران طاغوت
۱۰	احیای فرهنگ عاشورا
۱۱	مقابله با منکرات
۱۲	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام کاظم علیه السلام اسوه صلابت و ظلم ستیزی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۳-۳۵۴۱۱

سرشناسه: پاک‌نیا، عبدالکریم

عنوان و نام پدیدآور: امام کاظم علیه السلام اسوه صلابت و ظلم ستیزی / پاک‌نیا، عبدالکریم
منشا مقاله: ، مبلغان، ش ۵۷، (شهریور ۱۳۸۳): ص ۴۰ - ۵۱.

توصیفگر: موسی بن جعفر (ع)، امام هفتم

توصیفگر: سیره امامان

توصیفگر: قرآن

توصیفگر: احادیث

مقدمه

امامان معصوم علیهم السلام در طول زندگی پربار خویش برای احقاق حق و رهبری امت، از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. در این راستا، همه مشکلات و گرفتاریها را به جان خریده و تحمل کرده‌اند. به همین جهت است که ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان الگوی صبر و پایداری در راه حق مطرح شده و سرمشق رهروان راه فضیلت گشته‌اند و از همین جاست که عارفان خداجوی این فراز از زیارت روح نواز جامعه ائمه المؤمنین را در خلوت و جلوت زمزمه می‌کنند که: «أَشْهَدُ أَنْكُمْ قَدْ وَفَيْتُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَذَمَّتِهِ وَبِكُلِّ مَا اشْتَرَطَ عَلَيْكُمْ فِي كِتَابِهِ وَدَعْوَتِهِ إِلَى سَبِيلِهِ وَأَنْفَعْتُمْ طَائِفَتَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَحَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ عَلَى مِنْهَاجِ التُّبُورِ؛ [۱] من گواهی می‌دهم که شما [ائمه اهل بیت علیهم السلام] به عهد و ذمه خود با خداوند متعال وفا کردید و هر آنچه را که در کتاب خود بر شما شرط کرده بود، به نحو احسن انجام دادید. مردم را به راه خدا دعوت کردید و تمام تواناییهای خود را در راه کسب رضای الهی به کار گرفتید و مخلوقات را بر شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله رهنمون شدید.» پیشوای هفتم شیعیان، حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام که در هفتم صفر ۱۲۸ ه. ق در روستای ابواء، میان مدینه و مکه متولد شده بود، همانند دیگر امامان معصوم علیهم السلام برای احیای فرهنگ اسلام و گسترش ارزشهای الهی در طول امامت سی و پنج ساله خویش [۱۴۸ تا ۱۸۳ ه. ق] که با چهار تن از خلفای ستمگر عباسی (منصور، مهدی، هادی و هارون الرشید) هم زمان بود، تمام مشکلات و سختیها را به جان خرید و به فرهنگ صبر و مقاومت در راه اسلام معنای حقیقی بخشید. آن حضرت تمام تواناییهای خود را در این زمینه به کار گرفت و صلابت و استواری در راه دفاع از فضیلتها و مبارزه با مفسد اخلاقی و اجتماعی را به معنای تام کلمه مجسم ساخت. در زیارت آن امام می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ... صَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ وَجَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ [۲] شهادت می‌دهم که تو [ای امام هفتم] بر تمام آزارها در راه خدا صبر کردی و در راه خدا آن گونه که سزاوارش بود کوشیدی.» بیست و پنجم ماه رجب، شاهد جانبازی آن رادمرد عالم اسلام و اسطوره صبر و پایداری در راه حق می‌باشد. آن حضرت بعد از تحمل بی‌رحمانه‌ترین آزارهای طاقت‌فرسای خلفا، بویژه هارون الرشید، استوار و مقاوم در برابر طاغوت و طاغوتیان به ملاقات پروردگارش شتافت. در صلوات مخصوصه آن حضرت آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْأَبْرَارِ وَامَامِ الْأَخْيَارِ... وَمَأْلِفِ الْبُلُوى وَالصَّبْرِ وَالْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ وَالْمُقْبُورِ بِالْجَوْرِ وَالْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ وَظَلَمِ الْمَطَامِيرِ ذِي السِّيَاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلْقِ الْقَيْوُدِ؛ [۳] خداوندا! بر موسی بن جعفر علیهما السلام درود فرست! او که جانشین نیکان و پیشوای خوبان بود... آن آقای آشنا با بلاها و بردباری، در معرض ظلم و ستم، شکنجه شده در قعر زندانها و ظلمت

سلولهای تنگ و تاریک، با پاهای ورم کرده و مجروح، و به بند کشیده شده با حلقه‌های زنجیر. آنچه در پیش رو دارید، فرازهایی از تلاشها، پیامها و گفتارهای امام کاظم علیه السلام در زمینه صبر، مقاومت، قاطعیت، صلابت و صراحت لهجه در مقابل ستمگران و دشمنان است.

تلفیق عرفان و مبارزه

بی تردید برای استواری و مقاومت در راه عقیده، پشتوانه‌ای قوی و نیرومند لازم است. طبق آموزه‌های قرآنی بهترین پشتوانه هر انسان حقیقت‌طلبی، اتکا به حضرت پروردگار است. و میانبرترین و نزدیک‌ترین راه در معرفت و قرب به حق، توجه به عبادت و معنویت است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»؛ [۴] «از صبر و نماز یاری بجوید». حضرت کاظم علیه السلام با پیروی از این رهنمود و در مقابل نیروهای باطل، از صبر و بردباری و نماز و عبادت یاری می‌جست؛ «كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحْرِ بِمُوَاصَلَةِ الْأَسْتِغْفَارِ حَلِيفَ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَالذُّمُوعِ الْغَزِيرَةِ وَالْمُنَاجَاتِ الْكَثِيرَةِ وَالضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ»؛ [۵] آن حضرت شبها را تا سحر بیدار بود و شب‌زنده‌داریهایش همواره با استغفار بود، همراه با سجده‌های طولانی، اشکهای ریزان، مناجات بسیار، و ناله‌ها و زاریهای مداوم در حال عبادت.»

برخورد با صلابت

اشاره

از آنجایی که اولیای خدا به امدادهای خداوندی باور قطعی دارند، در برخوردهای خود با دنیاپرستان و طاغوت‌های زمان بی‌واهمه و با قاطعیت و صلابت رفتار می‌کنند و آنان با داشتن سرمایه ایمان به غیر از خداوند متعال از هیچ قدرت و نیرویی نمی‌هراسند که: «فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا»؛ [۶] «هر کس به پروردگارش ایمان بیاورد، نه از نقصان می‌ترسد و نه از ظلم [و ظالم] هراسی دارد.» پیشوای هفتم نمونه بارزی از این اولیای الهی است. اینک مواردی را در اینجا با هم می‌خوانیم:

سخن امام به مهدی عباسی

مهدی، سومین خلیفه عباسی، در یک اقدام عوام فریبانه اعلام کرد که هر کسی که حقوقی بر گردن نظام حکومتی دارد، می‌تواند برای رسیدن به حق خود اقدام نماید. او در یک حرکت ظاهری مشغول ادای حقوق مردم شد. امام کاظم علیه السلام نیز خواستار اعاده حقوق خود شد. در آنجا گفتگوی ذیل میان خلیفه و پیشوای هفتم علیه السلام به وقوع پیوست: - حقوق شما چیست؟ - فدک. - محدوده فدک را مشخص کن تا به شما بازگردانم. - حد اول آن، کوه احد، حد دوم عریش مصر، حد سوم سیف البحر (دریای خزر) و حد چهارم دومه الجندل [سرزمین عراق] است. - همه اینها! - آری! خلیفه آن چنان ناراحت شد که آثار غضب در چهره‌اش پدیدار گشت، و با ناراحتی شدید گفت که مقدار زیادی است، باید بیندیشم. امام کاظم علیه السلام با این سخن به او فهماند که حکومت حق امام کاظم علیه السلام است و زمام حکومت بر دنیای اسلام باید در دست اهل بیت علیهم السلام باشد. [۷].

پیشوای دلها

روزی در کنار کعبه، هارون الرشید حضرت کاظم علیه السلام را ملاقات نمود و در ضمن سخنانی به امام علیه السلام گفت: آیا تو هستی که مردم مخفیانه با تو بیعت می‌کنند و تو را به رهبری خویش برمی‌گزینند؟ حضرت با کمال شهامت فرمود: «أَنَا إِمَامُ الْقُلُوبِ»

وَأَنْتَ إِمَامُ الْجُسُومِ؛ من بر دلهای مردم حکومت می‌کنم، و تو بر جسمهای آنان!»

هشدار به متکبران

هارون، سلطان گردنکش و متکبری بود که خود را از همه چیز و همه کس بالاتر می‌دانست و حتی در خیال باطل خود بر ابرها می‌بالید و به وسعت حکومت خویش می‌نازید که: ای ابرها! بیارید که هر کجا قطرات بارانتان بیارد، چه شرق و چه غرب بر زمینهای تحت حکومت من خواهد بارید و خراج و مالیات آن سرزمین را به نزد من خواهند آورد. زمانی پیشوای هفتم علیه‌السلام به کاخ هارون رفته بود. هارون از او پرسید: این دنیا چیست؟ امام فرمود: این دنیا سرای فاسقان است. سپس با تلاوت آیه ۱۴۶ سوره اعراف به وی هشدار داد که: «سَاَصْرِفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلاًّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعُغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا»؛ [۸] «به زودی از آیات خود دور خواهم نمود کسانی را که به ناحق در روی زمین ادعای بزرگی می‌کنند و اگر آنان هر آیه‌ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند و اگر راه رشد و کمال را ببینند، به سوی آن حرکت نمی‌کنند، ولی اگر راه ضلالت و گمراهی را ببینند، به سوی آن خواهند رفت.» هارون پرسید: دنیا خانه کیست؟ حضرت فرمود: دنیا برای شیعیان ما مایه آرامش و برای دیگران آزمایش است. در آخر این گفتگو، هارون با درماندگی تمام پرسید: آیا ما کافریم؟ پیشوای هفتم علیه‌السلام پاسخ داد: نه، ولی چنان هستید که خداوند متعال فرموده است: «الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ»؛ [۹] «کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را در محل تباهی فرود آوردند.» [۱۰].

سلام بر تو ای پدر

هارون وارد مدینه شد و به همراه جمع کثیری به حرم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رفت. او در مقابل قبر شریف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ایستاد و با کمال افتخار چنین سلام داد: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمٍّ؛ سلام بر تو ای پسر عمو! در این هنگام، حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام که در میان اهل مدینه حضور داشت، نزدیک آمد و برای تحقیر خلیفه غاصب چنین سلام داد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَه»؛ سلام بر تو ای رسول خدا! سلام بر تو ای پدر! در این حال، هارون از شدت خشم به خود پیچیده و دنیا در نظرش تیره و تار شد؛ چرا که حضرت کاظم علیه‌السلام به این وسیله شایستگی خود را برای جانشینی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و عدم لیاقت هارون بیان داشت. [۱۱].

نامه‌ای از زندان

حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام با اینکه مدت‌های مدیدی را در زندانهای مختلف نظام طاغوتی هارون سپری کرد و در شکنجه‌گاههای مخوف، به دست شقی‌ترین مأموران سپرده شده بود، اما از گفتن سخن حق و نشر حقایق الهی لحظه‌ای باز نایستاد. آن حضرت در فرصتهای مناسب گفتارهای بیدارگرانه و هشدارآمیز خود را به گوش سردمداران دنیاپرست نظام حکومتی رسانده، به ایفای نقش خطیر خویش در جامعه اسلامی پرداخت. امام در یکی از نامه‌های حماسی خویش که از زندان به کاخ هارون ارسال نمود، چنین نگاشت: «ای هارون! هیچ روز سخت و پر محنتی بر من نمی‌گذرد، مگر اینکه روزی از راحتی و آسایش و رفاه تو کم می‌گردد؛ اما بدان که هر دو، رهسپار روزی هستیم که پایان ندارد و در آن روز، مفسدان و تبهکاران زیانکار و بیچاره خواهند بود.» [۱۲]. ممکن است این پرسش به ذهن آید که امام هفتم علیه‌السلام با آن شرائط خفقان چگونه نامه‌ها و سخنان خود را به سمع و نظر دیگران می‌رسانید؟ بررسی اوضاع تاریخی آن عصر نشان می‌دهد که اکثر زندانبانان و مأمورین آن پیشوای الهی با اندکی ارتباط و برخورد با ایشان، به حقیقت و معنویت امام پی برده و از هواخواهان و دلدادگان حضرتش می‌شدند و این مسئله

سبب شده بود که گفته‌ها، نوشته‌ها و افکار و اندیشه و سیره حضرتش بر تاریخ پوشیده نماند. داستان تحول روحی کنیز خوش سیمای هارون نمونه‌ای از این واقعیت است که در کتابهای معتبر تاریخی و روایی به طور مفصل آمده است.

ظلم ستیزی در رفتار

اشاره

فرازهایی از رفتارهای روشنگرانه و ظلم ستیزانه حضرتش را در این زمینه می‌خوانیم:

رخنه در درون نظام

امام کاظم علیه السلام با تربیت افرادی شایسته، و تأثیرگذاری مثبت بر افکار و اندیشه‌های برخی از کارگزاران حکومتی، از وجود آنان در پیشبرد اهداف الهی خویش سود می‌جست. علی بن یقظین از جمله عوامل نفوذی امام در نظام حکومتی هارون بود که تا مقام نخست‌وزیری راه یافته بود. او به لطف خداوند و یاری رهنمودهای امام علیه السلام و بصیرت و تیزهوشی خویش، کارهای مهمی را به نفع شیعیان انجام می‌داد. یادآوری نظرات حضرت کاظم علیه السلام به طور غیرمحسوس در جلسات داخلی هیأت حاکمه، گزارش اخبار داخلی و تصمیمات حکومت غاصب به امام هفتم علیه السلام، ارسال کمکهای مالی به امام و شیعیان، تشکیل گروههای حجّ از شیعیان بی‌بضاعت، و خدمات اجتماعی و اداری به یاران امام هفتم علیه السلام، برخی از دستاوردهای نفوذ علی بن یقظین در حکومت هارون بود. مسیب بن زهیر نیز از شیعیان مخلصی بود که در ظاهر، در سمت جانشین سندی بن شاهک، به فرماندهی نیروهای نظامی هارون منصوب شده بود. او علاوه بر رساندن پیامهای امام علیه السلام از داخل زندان به دوستان و شیعیان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام معجزات و کراماتی نیز از آن حضرت نقل می‌کرد که در بیداری برخی افراد تأثیر داشته است. [۱۳] حاکم ری و برخی از کارگزاران حکومتی نیز در شبکه نفوذی حضرت کاظم علیه السلام انجام وظیفه می‌کردند.

حمایت از مبارزان راه حق

حسین بن علی بن حسن المثنی بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام معروف به «شهید فحّ» از افرادی است که در زمان امامت حضرت کاظم علیه السلام بر اثر ستمهای فرماندار مدینه به علوین به ستوه آمد و بر علیه حکومت هادی عباسی به قیام مسلحانه روی آورد. حسین قبل از قیام پرشور خویش، شبانه به محضر امام هفتم علیه السلام آمد و امام ضمن سفارشات به وی فرمود: تو شهید خواهی شد، ضربه‌ها را محکم و نیکو بزن! این مردم فاسق‌اند، و در ظاهر ایمان دارند و در باطن خود نفاق و شک را پنهان می‌سازند، «أَنَا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». [۱۴]. بعد از شهادت حسین بن علی علیهما السلام، و سایر شهدای فحّ، حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: «به خدا سوگند! حسین در حالی از دنیا رفت که مسلمان و نیکوکار و روزه‌دار و آمر به معروف و ناهی از منکر بود.»

جلوگیری از همکاری با طاغوت

آن حضرت اگر احساس می‌کرد کسانی که به نظام حکومتی داخل می‌شوند، نمی‌توانند به نفع اهل حق و شیعیان عمل نمایند، آنان را از همکاری با طاغوت نهی کرده، از عواقب وخیم آن بر حذر می‌داشت. زیاد بن ابی سلمه از یاران امام کاظم علیه السلام بود، ولی بدون اطلاع آن حضرت در دستگاه خلافت عباسی مشغول به کار شده بود. او روزی به محضر امام هفتم علیه السلام آمد.

حضرت از او پرسید: ای زیاد! آیا تو در امور دولتی اشتغال داری؟ گفت: بلی. امام فرمود: چرا با حکومت ستمگران همکاری می‌کنی و به شغل آزاد نمی‌پردازی؟ زیاد گفت: سرورم! مخارج من زیاد است؛ چرا که من فردی اجتماعی هستم و خانه‌ام پر رفت و آمد است و افراد تحت تکفل دارم و هیچ‌گونه پشتوانه اقتصادی هم ندارم. درآمد من منحصر به همین شغل دولتی است. امام کاظم علیه السلام فرمود: ای زیاد! اگر از کوه بلندی سقوط کنی و بدنم قطعه قطعه شود، در نزد من بهتر است از اینکه با ستمگران همراهی و همکاری نمایم، مگر اینکه غصه‌ای را از دل مؤمنی برطرف نموده، یا مؤمن گرفتاری را نجات داده، یا مؤمن بدهکاری را از زیر بار بدهی رها سازم. [۱۵]. صفوان بن مهران جَمِیال یکی دیگر از دوستان امام موسی بن جعفر علیهما السلام می‌باشد. او شترهای متعددی داشت و آنان را در اختیار کاروانهای تجارتنی و زیارتی قرار داده و از اجاره آنان امرار معاش می‌کرد. او می‌گوید: روزی امام هفتم علیه السلام را زیارت کردم. امام به من فرمود: صفوان تمام کارها و رفتار تو مورد پسند ماست، جز یک عمل تو! عرضه داشتم: فدایت شوم کدام عمل؟ فرمود: شترانت را به این مرد ستمگر [هارون] کرایه داده‌ای. عرض کردم: به خدا سوگند! من آن را برای فسق و فجور و شکار و لهو کرایه نداده‌ام، بلکه برای زیارت بیت الله اجاره داده‌ام. من هیچ‌گونه علاقه‌ای به آن مرد ندارم و غلامان خود را به همراه کاروان زیارتی هارون فرستاده‌ام تا به غیر از عمل حج در کار دیگری به کار گرفته نشوند. امام فرمود: ای صفوان! آیا کرایه تو هنوز به عهده آنان هست یا پرداخته‌اند؟ گفتم: بلی، هنوز کرایه نگرفته‌ام. فرمود: صفوان! آیا دوست داری که هارون و یارانش تا زمانی که کرایهات را نپرداخته‌اند، زنده بمانند تا برگشته و بدهی تو را بپردازند؟ گفتم: بلی. امام کاظم فرمود: «فَمَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَانَ وَرَدَ النَّارَ؛ [۱۶] هر کس بقای ستمگران را [و لو چند روزی] دوست داشته باشد، از آنان محسوب می‌شود و هر کس از آنان محسوب شود، داخل آتش [جهنم] خواهد شد.»

رسوا سازی یاران طاغوت

آن حضرت با اینکه بسیار صبور و بردبار بود و به خاطر کظم غیظ و فرو خوردن خشم خود به «کاظم» معروف شده بود، اما در مقابل افراد جسوری که می‌خواستند برای اربابان ستمگر خود خوش خدمتی کنند و پا را از گلیم خویش فراتر نهند و به حریم مقدس امامت و ولایت تعرض روا دارند، هیچ‌گونه امان نمی‌داد و با اراده قاطع و با صلابت کامل برخورد می‌کرد و هم‌فکران آنان را تا ابد پشیمان می‌نمود. علی بن یقطین می‌گوید: هارون الرشید مرد ساحری را دعوت کرده بود تا در جلسه‌ای با حضور خلیفه و دیگران با کارهای سحرآمیز و خارق‌العاده خویش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را خوار و شرم‌زده سازد. هنگامی که غذا را آوردند، آن مرد ساحر با طرفند خاص خویش جادویی را به کار برد که وقتی خادم امام علیه السلام می‌خواست برای حضرت کاظم علیه السلام نان بردارد و نزد حضرتش بگذارد، نان از دست او می‌پرید و دور می‌شود. هارون از این عمل ساحر آن چنان خوشحال شده و به وجد آمده بود که در پوست خود نمی‌گنجید و به شدت می‌خندید. امام وقتی احساس کرد که این نقشه برای اهانت به حجت خدا طراحی شده است، با صلابت و قاطعیت تمام سر مبارک خویش را بلند کرده و به عکس شیری که روی پرده کشیده شده بود اشاره نمود که: «یا اَسَیْدَ اللّٰهِ خُذْ عِیْدَ اللّٰهِ؛ ای شیر خدا بگیر دشمن خدا را!» آن تصویر به صورت شیر درنده‌ای مجسم شد و در یک لحظه آن مرد ساحر را درید و به کام مرگ فرستاد و سپس به جای خود برگشت. هارون نیز از ترس غش کرد و به رو افتاد. هنگامی که به هوش آمد از امام استدعا کرد که آن مرد را دوباره زنده کند و از شکم شیر بیرون آورد. امام فرمود: اگر عصای حضرت موسی علیه السلام ریسمانها و سایر لوازم ساحران را برگردانده بود، این تصویر نیز آن مرد را که بلعیده برمی‌گرداند. [۱۷].

احیای فرهنگ عاشورا

زنده نگه داشتن یاد و نام امام حسین علیه السلام و حماسه عاشورا به عنوان نماد مقاومت اهل بیت علیهم السلام در برابر جبهه کفر و نفاق و مقابله با طغیان و ستمگری، یکی از مهم ترین دغدغه‌های امامان معصوم علیهم السلام بوده است. آن بزرگواران می کوشیدند تا قیام جاویدان عاشورا زنده بماند و پیام پایداری و استواری اهل حق در مقابل باطل در بلندای تاریخ با نام مقدس حضرت امام حسین علیه السلام طنین انداز شود. از شیوه‌هایی که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام برای رساندن پیام استواری و مقاومت از آن بهره می برد، تداوم بخشیدن و زنده نگه داشتن یاد و خاطره جدّ بزرگوارش حضرت سید الشهداء علیه السلام بود. روایت ذیل بیانگر این حقیقت تاریخی است: محدث نوری می نویسد: منصور دوانیقی در عید نوروز امام را مجبور کرد که در مجلس عمومی بنشیند و مردم برای عرض تبریک به محضرش بیایند و هدایا و تحفه‌ها را به حضور آن حضرت بیاورند. امام به ناچار در آن مجلس نشست و فرمانداران و فرماندهان و امرای لشکری و کشوری و عموم مردم برای تهنیت می آمدند و هدایا و تحفه‌های فراوانی می آوردند و خادم منصور همه هدایا را ثبت می کرد. آخرین فردی که به حضور امام آمد، پیرمردی سالمند بود که به امام عرضه داشت: ای پسر دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! من مرد فقیری هستم که از مال دنیا بی بهره‌ام، اما سه بیت شعری را که جدم در رثای جدّتان حضرت حسین بن علی علیهما السلام سروده، به خدمتان تقدیم می کنم: عَجِبْتُ لِمَصْفُوقِ عَلَاكَ فَرِنْدُهُ يَوْمَ الْهِيَاكِ وَقَدْ عَلَاكَ غُبَارُ يَوْمَ الْهِيَاكِ وَقَدْ عَلَاكَ غُبَارُ يَوْمَ الْهِيَاكِ وَقَدْ عَلَاكَ غُبَارُ يَوْمَ الْهِيَاكِ وَقَدْ عَلَاكَ غُبَارُ يَوْمَ الْهِيَاكِ وَقَدْ عَلَاكَ غُبَارُ يَوْمَ الْهِيَاكِ [از دشمنان تو تعجب نمی کنم که چرا تو را کشتند، بلکه] تعجب می کنم از شمشیری که بر بدن نازنین تو در روز عاشورا فرود آمد، در حالی که غبار کربلا بر بدن تو نشسته بود. وَلَا شَيْءٌ نَفَذَتْكَ دُونَ حَرَائِرٍ يَدْعُونَ جَدَّكَ وَالْذُّمُّوعُ غِزَارًا يَدْعُونَ جَدَّكَ وَالْذُّمُّوعُ غِزَارًا مِنْ شَكْفَتِ زَدِهْ هَسْتُمْ مِنْ أَنْ تِيرَهَائِي كَمَا بَرَّ بَدَنْتِ فَرُورَفْتَنْد، در حالی که خانواده‌ات با چشمان اشکبار قتل تو را نظاره کرده و جدّت را صدا می زدند. إِلَّا تَقْضُ قَضَتِ السَّهَامُ وَعَاقَهَا عَنْ جِسْمِكَ الْأَجْلَالُ وَالْإِكْبَارُ عَنْ جِسْمِكَ الْأَجْلَالُ وَالْإِكْبَارُ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ! چرا بزرگی و جلالت تو مانع نشد از اینکه تیرها بر بدنت اصابت کنند و آن جسم پاک را مجروح نمایند! امام فرمود: احسنت! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! هدیه‌ات را پذیرفتم، بفرما بنشین! آن گاه به خادم گفت: از منصور پیرس در مورد این همه هدایا چه تصمیمی دارد؟ منصور گفت: همه آنها را به حضرت کاظم علیه السلام بخشیدم، هرطور دوست دارد مصرف کند. امام نیز تمام آن تحفه‌ها را به آن پیرمرد شیعی که زیباترین اشعار را در مرثیه امام حسین علیه السلام خوانده بود، بخشید و او را تشویق نمود. [۱۸]. امام علیه السلام به این وسیله، از شاعران و احیاگران حماسه عاشورا تجلیل نمود و پیام پایداری اهل بیت علیهم السلام را که در حرکت انقلابی امام حسین علیه السلام جلوه گر شده بود، علنی ساخت.

مقابله با منکرات

امام هفتم علیه السلام افزون بر تلاشها و مقاومت‌هایی که در مقابل جباران و حاکمان ستمگر از خود نشان می داد، با صبر و بردباری تمام به منکرات و مفسدات اجتماعی در سطح جامعه نیز توجه داشت و با شیوه‌هایی مناسب با آنان مقابله می کرد. علامه حلی در کتاب شریف منهاج الکرامه داستانی را نقل کرده است که نشانگر ایستادگی امام هفتم علیه السلام در برابر مفسدات رائج و ناهنجاریهای دینی و اخلاقی بوده است: «آن روز حضرت از کوچه‌های بغداد عبور می کرد و صدای موسیقی از منزل یکی از اشراف ساکن آنجا، تمام کوچه را پر کرده بود. در آن حال، یکی از خدمت گزاران همان خانه برای کاری به بیرون منزل آمد. امام کاظم علیه السلام از این وضعیت شدیداً ناراحت بود، آن خادم را صدا کرد و پرسید: آیا صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ او گفت: البته که آزاد است. امام فرمود: «لَوْ كَانَ عَبْدًا لَخَافَ مِنْ مَوْلَاهُ؛ [راست می گویی] اگر او بنده بود، از مولای خود واهمه داشت.» خادم به خانه برگشت و صاحب منزل که بُشر بود و در کنار سفره شراب با رفقاییش نشسته بود، پرسید: در بیرون منزل با که صحبت می کردی؟ و او سخنان امام را بیان کرد. کلمات حیات بخش امام علیه السلام آن چنان در اعماق قلب بُشر تأثیر گذاشت که

با پای برهنه بیرون دوید و خود را به امام رسانیده و از محضرش عذر خواسته، به دست آن حضرت توبه کرد و بعد از آن، به بُشر حافی موسوم شد و به مقامات عالی معنوی نائل گردید.» [۱۹].

پاورقی

- [۱] المزار، محمد بن المشهدی، ص ۲۹۴؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۴.
- [۲] بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.
- [۳] الانوار البهیة، ص ۲۰۵.
- [۴] بقره/۴۵.
- [۵] الانوار البهیة، ص ۲۰۵.
- [۶] جن/۱۳.
- [۷] رجوع شود به اصول کافی، کتاب الحجّه، باب الفیء والانفال.
- [۸] اعراف/۱۴۶.
- [۹] ابراهیم/۲۸.]
- [۱۰] هدایتگران راه نور، ص ۷۰۰.
- [۱۱] بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۳۵.
- [۱۲] تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۲.
- [۱۳] معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۷۹.
- [۱۴] مقاتل الطالبین، ص ۴۴۹.
- [۱۵] الکافی، ج ۵، ص ۱۱۰.
- [۱۶] معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۱۳۳.
- [۱۷] المناقب، ج ۴، ص ۳۰۰.
- [۱۸] مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۸۶.
- [۱۹] منهاج الکرامه، ص ۶۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمتها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

